

بررسی حرمت تصویرگری و مجسمه سازی

از دیدگاه شیخ انصاری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۹/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۱/۱۸)

فرید صادق زاده ینگجه^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

محمد رضا نوجوان

سردفتر اسناد رسمی، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

حکم فقهی مجسمه سازی و نقاشی از دیدگاه امامیه بر اساس حکمتی که در روایات آمده است و در گذشته وجود داشته مثل همانندی و تشبه به خالق و قریب العهد بودن مردم به عصر جاهلیت و بت پرستی و نداشتن منفعت حلال حرمت بوده است. در اسلام در راستای دعوت به توحید و یکتاپرستی و تثبیت آن در نفوس پیروانش به مبارزه بی امان با شرک و بت پرستی در همه مظاهر آن برخاسته و از جمله مجسمه سازی و نقاشی را که نوعی تداعی کننده پرستش خدایان سنگی و چوبی بوده است را حرام کرده است. شیخ انصاری نیز در مسئله چهارم از کتاب مکاسب خود را به بحث حرمت تصاویر، نقاشی و نیز مجسمه سازی اشاره داشته است. لذا پژوهش حاضر با استناد به مطالعات انجام شده در این حوزه و به صورت توصیفی-تحلیلی بدین نتیجه می رسد که از دیدگاه شیخ انصاری مجسمه سازی و نقاشی (تصویرگری) با تحقق شرایطی حرام بوده و دلیل اساسی این مسئله نیز قرآن کریم است که بحث بت پرستی را در ترکیب با تندیس ها، پیکره ها و مجسمه ها و موارد از این قبیل می داند و روایات گوناگونی در این زمینه وجود دارد اما باید قبول کرد که تحقق حرمت منوط به شرایطی بوده و قبول صرف این مسئله در جامعه امروزی می تواند مشکل ساز باشد. بنابراین پیشنهاد می گردد که با توجه به تحولات ایجاد شده در دنیای هنری لازم است با توجه به محتوای این آثار هنری در حرمت آنها تفکیک شود.

واژگان کلیدی: شیخ انصاری، حرام، مکاسب، مجسمه، نقاشی



بخش اول: کلیات

بند اول: مقدمه

هنر تجلی احساس انسان است در قالب محسوس، زبان درون است با مخاطبانی اهل دل، حقیقت را می نمایاند. اما هنر، این ودیعه الهی همچنان در میان دو قطب جان و جسم، ماده و معنا، خداجویی و کفر در نوسان بوده است و از دستبرد آفت هایی همچون نفس پرستی، قدرت مداری، استعمار و ابتذال در امان نمانده است. لذا هنر با همه عظمت و رسالتی که دارد به هنر متعهد و مسئول و نیز هنری که ایزار دست سودجویان و قدرت طلبان و سرمایه داران است، تقسیم گردیده است. (بنی اسدزاده، ۱۳۸۹: ۲۹) حال یکی از ابعاد جذاب و دلنشین هنر، مجسمه سازی و تصویرگری می باشد که موجب اختلاف نظرهای متعددی در این حوزه شده است که حتی برخی بر حرمت آن نظر داده اند. در کتاب مکاسب نیز شیخ انصاری بر این امر اظهار عقیده کرده و با بررسی های انجام شده در ارتباط با بحث حرمت مجسمه و نقاشی بدست می آید که ریشه در سه عامل مهم مادی و تاریخی و اعتقادی دارد. البته از دلایل تحریم مجسمه ها و نقاشی ها در دین اسلام مبنی بر محتمل قرار دادن این تندیس ها و تصاویر به عنوان ابزار شیطانی در دام بت پرستی و یا کفر آشکار و نهان و نیز در مواردی بت پرستی پنهان و ضعیف مطرح می باشد. بنابراین با توجه به مقدمات فوق الذکر؛ درصدد بررسی و پاسخگویی به این سوالات هستیم که اولاً دیدگاه شیخ انصاری در خصوص حرام بودن مجسمه سازی و تصویرگری را بررسی نماییم. ثانیاً دیدگاه های ارائه شده در خصوص نظریه شیخ انصاری را مورد تحلیل قرار دهیم.

بند دوم: پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه در خصوص موضوع مورد بررسی، پژوهشی انجام نشده است. لذا مواردی که تا حدودی با موضوع پژوهش مرتبط هستند، عبارتند از:

۱. در پایان نامه ای^۱ نگارنده به بررسی تصویرگری و مجسمه سازی در فقه امامیه پرداخته است. در این پژوهش نگارنده بیشتر به تبیین مفاهیم و اصلاحات اشاره کرده و بیان نظرات فقها از جمله شیخ انصاری قابل توجه نبوده است.

^۱ بنی اسدزاده، مبارکه (۱۳۸۹). تصویرگری و مجسمه سازی در فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.



۲. در مقاله ای^۱ نگارنده به بررسی فقهی حکم مجسمه سازی در اسلام پرداخته است. در این پژوهش نیز نگارنده بیشتر این موضوع را با توجه به عنوان پژوهش بر اساس آیات قرآن و روایات بررسی کرده و نظرات فقهی از جمله شیخ انصاری چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

۳. در مقاله ای^۲ نویسنده به بررسی تصویرسازی در آینه فقه پرداخته است. در این پژوهش نیز نگارنده بیشتر به تبیین مفاهیم و موضوعات پیرامون نگهداری این نوع تصاویر پرداخته است و در بیان حرمت مسئله بیشتر به بیان آیات قرآن استناد نموده است. بنابراین پژوهش حاضر از این جهت دارای نوآوری می باشد که در این پژوهش به بررسی دیدگاه های شیخ انصاری در خصوص تصویرگری و مجسمه سازی و نقدهای ارائه شده در این زمینه می پردازیم.

بخش دوم: تبیین مفاهیم

بند اول: مفهوم لغوی

• واژه تصویر

تصویر مصدر باب تفعیل، از فعل صور در لغت به معنای شکل و صورت بخشیدن، نقاشی نمودن و صورتگری کردن آمده است. برای واژه صوره اسم مصدر از ریشه (ص و ر) در لغت معانی مختلفی ذکر شده است که عبارتند از: شکل، هیئت، حقیقت، نوع و صفت که جمع این مصدر صور است که بر تصاویر که به معنای تماثیل آمده است هم جمع بسته می شود. (طریحی، ۱۹۸۹: ۳۶۸) کلمه تصویر در اشکال و صورت های مجسمه به کار می رود و هم در صورت های مسطح و صاف. پس تصویر در لغت عبارت است از: ساخت و ساز صورت و شکل اعم از مجسمه یا صاف.

^۱ رضوی اصل، سیدمحسن (۱۳۹۴). بررسی فقهی حکم مجسمه سازی در اسلام، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق

^۲ عابدیان کلخوران، سیدحسن؛ قاسمی، مهری (۱۳۹۳). تصویرسازی در آینه فقه، فصلنامه تخصصی مطالعات فقهی و



• واژه تمثال

تمثیل مصدر باب تفعیل از فعل مثل (نظیر در شکل و اندازه و حتی در معنا) یعنی تصویر نمودنشی به نحوی که گویا به آن نگریسته می شود. (فراهیدی، ۱۴۱۵: ۲۲۹) البته گاهی تمثال به معنی اسم مفعول می آید: الشیء المصور؛ یعنی چیزی که به تصویر کشیده شده است، ساخته ای که به مانند یکی از آفریده های خداوند است. همچنین از سخن لغت شناسان می توان به روشنی دریافت که واژه تمثال به اشکال سایه دار اختصاص ندارد بلکه به صورت های مسطح نیز اطلاق می گردد. بنابراین آنچنان که مشخص است میان واژه تصویر و تمثال تفاوتی وجود ندارد. یعنی واژه ای را مختص نقاشی یا مجسمه قرار نداده اند.

بند دوم: مفهوم فقهی

برخی را گمان بر آن است که تصویر در اصطلاح فقهی جاری مجرای تعریف لغوی آن است. اما نکته ای که باید به آن توجه شود آن است که تصویر در حقیقت یک نوع نیست بلکه یک جنس کلی است که بر سه نوع مختلف که هم از نظر ماده و هم از نظر ابزار و کیفیت مشتمل است. حال در اصطلاح فقهی تمثال را این گونه تعریف کرده اند: «مثال و نمونه شی یا شخصی را ایجاد کردن.» (فرحناک، ۱۳۸۵: ۶۶) بنابراین تمثال چیزی است که از سنگ یا مس و امثال آن تراشیده شده و حکایتگر آفریده های خداوند است. همچنین اصطلاح تصویر نیز بدین معناست: صورت و شکل شخص یا شی را ساختن یا کشیدن، کشیدن و ترسیم نمودن شکل اشخاص یا اشیا بر تابلو، دیوار و امثال آن به وسیله مداد، قلم مو و ابزار نقاشی است. (مدکور، ۱۳۹۲: ۵۲۸) لذا بر اساس این مفهوم می توان گفت که به چیز سایه دار یا چیزی که دارای ابعاد سه گانه یعنی طول، عرض و عمق باشد تا نقش برجسته را در بر نگیرد، گفته می شود.

بخش سوم: انواع تصویر و مجسمه

بند اول: انواع تصویر به اعتبار حیات

با توجه به روایات و قیودی که در کلام فقیهان آمده می توان تصویر و صورت را به اعتبار ذوالصوره؛ یعنی چیزی که تصویر آن ساخته می شود به چند نوع تقسیم نمود:

(الف) تصویر موجودات جاندار که می تواند تصویر انسان ها، حیوانات و حتی حشرات باشد.



ب) تصویر موجودات غیرزنده مانند گیاهان، کوه‌ها، دریاها و ساخته‌های بشری مانند ماشین.

بند دوم: انواع تصویر به اعتبار جسمیت داشتن تصویر

تصویر از جهت نوع و کیفیت آن دارای دو قسم است:

الف) تصویر مجسم

در حقیقت این نوع از تصویر همان تصویری است که به تصاویر سایه دار معروف شده‌اند، یعنی دارای درازا، پهنا و گودی (طول، عرض و عمق) هستند و برخوردار از جسمیتی‌اند که فضایی را اشغال می‌کنند و افزون بر درک بصری با لمس نیز ادراک می‌گردند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۲۹) تصویر مجسم یعنی هر تمثال و تصویری که دارای جسمیت و جرم ظاهر بوده و بخشی از فضا را اشغال می‌کند و با دیدن و لمس کردن قابل ادراک است و از آنجا که جسم بارز دارد تولید سایه می‌کند. اعم از اینکه این صورت مجسم کامل باشد یا ناقص، مجسمه انسان باشد یا صاحب روح دیگر و یا غیر صاحب روح و اعم از اینکه تندیس باشد یا نقش برجسته.

ب) تصویر مسطح نظیر نقاشی، گلدوزی، تصاویر ابزاری جدید و امثال آن.

بند سوم: انواع تصویر به اعتبار ابزار تولید

• تصویر دستی (یدوی)

در تعریف آن گفته‌اند که کشیدن و ترسیم نمودن شکل اشخاص یا اشیا بر تابلو، دیوار و امثال آن به وسیله مداد، قلم مو و ابزار نقاشی. یعنی تصویر که دست آدمی در ساخت و تولید تصاویر به طور مستقیم تاثیر گذار است. این نوع خود دارای دو قسم است:

الف) نقاشی و تصویر صورت‌های مسطح که ابزار مختلفی در تولید آن استفاده می‌شود. مانند نقاشی بر روی کاغذ، بوم، دیوار، لباس، پارچه و پلاستیک و نیز نقاشی با آبرنگ و... نیز صورتگری بر روی پارچه بافتنی.

ب) مجسمه سازی و پیکرتراشی که خود دارای اقسام فراوانی است. مانند مجسمه سازی از سنگ، چوب و...



• تصویر آلی (ابزاری)

یعنی تصاویری که مستقیماً با دست آدمی بر روی شی ساخته نمی شوند بلکه با تأثیرات نوری یا حرکت الکترونی یا امور دیگر پدید آمده و رویت می شوند و آنقدر دارای شعب، انواع و اهداف متعددی شده که برخی از آنها عبارتند از:

الف) تصویر برقی یا کامپیوتری مجسمه یا نقش و عکسی که توسط دوربین های عکاسی و دستگاه کامپیوتر انجام می گیرد.

ب) تصویرهای کاریکاتوری و کارتونی (حسینی، ۱۳۷۴: ۳۶)

انواع دیگری از تصاویر نیز نامبرده شده است که عبارتند از:

الف) صرف رنگ آمیزی و نقش و نگار به طور خطوط متوازی یا مربع شکل و ... بدون اینکه نمودار شکل و صورت موجود جاندار یا بی جانی از قبیل انسان یا درخت باشد.

از این قسم در روایات با عنوان معلم تعبیر شده و صفت برای ثوب برای پیراهن نشاندار است.

ب) تصویر فرشته و جن خواه به گونه مجسمه یا به طور منقوش.

ج) تصویر موجود تخیلی و موهوم که عبارتند از همان مجسمه های تجریدی و انتزاعی.

بنابراین می توان گفت که بر دو نوع از صورتگری، مجسمه اطلاق می شود:

۱. پیکرتراشی که مجسمه سازی فضایی و دارای ابعاد سه گانه طول، عرض و عمق است و دارای سایه است، اگر نوری بر او بتابد.

۲. برجسته کاری این نوع صورتگری نیز بسیار معمول و متعارف بوده است.

صورتگری برجسته حدفاصل و برزخ بین مجسمه سازی به گونه پیکر تراشی و صورتگری بر روی کاغذ و پارچه است و مقابل صورتگری برجسته کنده کاری است.

بخش چهارم: تاریخچه تصویرگری و مجسمه سازی در اسلام

هنر اسلامی؛ هنری است که در جهت ارائه ارزش های مکتب اسلام توسط خداوند و مومنین به این مکتب بوجود آمده است و بدون شک هنر اسلامی پس از اسلام یعنی حدود هزار و چهارصد سال پیش بوجود آمده و اولین نمونه های آن خداوند خود خلق کرده است؛ لذا قصه های قرآن مصادیق بارز هنر اسلامی هستند. (مخملباف، ۱۳۶۱: ۵۲) مجسمه سازی و تصویرسازی در امت های



قبل از اسلام رواج داشته است و مردمی بدان اشتغال داشته‌اند. برخی اوقات این مجسمه‌ها را برای عبادت می‌ساختند که به عنوان بت در جامعه‌های انسانی مطرح می‌شدند. ابراهیم (ع) پدرش را که به ساختن بت‌ها و مجسمه‌هایی که برای عبادت استفاده می‌شدند، مشغول بود، مورد خطاب قرار می‌دهد. اما با ظهور اسلام، آیین اسلامی به ممنوعیت تصاویر پرداخت. بر همین اساس برخی از خلفای اموی چهره‌نگاری و ساختن پیکره انسان یا حیوان را ممنوع کردند. محتمل است که مسلمین در خلافت سلسله عباسی درست زمانی که سخنان پیغمبر به نوشته در می‌آید، بیش از پیش به مشخص کردن موضعشان ترغیب شده باشند. ذکر این نکته جالب است که در زمان بنی امیه هشام جانشین یزید بن عبدالملک مروان دستور داد کاخی نزدیک پالمیر برایش بسازند که با مجسمه‌های کوتاه‌ترین شده بود.

بنابراین می‌توان گفت که اسلام تا حدودی در پی منع صورت‌سازی بوده که همین امر منجر به رکود هنر نقاشی در کشورهای اسلامی گردیده بود. به گونه‌ای که تاثیر این منع در مراکز مذهبی مثلاً در مساجد به آن صورت آشکار است که تزئین مساجد منحصراً بوسیله ادامه خطوط و اشکال هندسی و اسلیمی (نقوش خطی پیچیده مشتمل بر خطوط منحنی، پیچک وار، خطوط موج که بر اساس نقوش گیاهی شکل یافته‌اند) صورت گرفته‌اند و واضح است که هیچگاه در مساجد به صور انسان و حیوان بر نمی‌خوریم. نخستین مسجدهای عربستان به روزگار پیامبر (ص) محدود به اشکال مستطیلی بودند که یکسوی آن برای پرهیز از باد و باران سقف داشت. در اتاق سرپوشیده نه محرابی بود و نه مجسمه‌ای از پاکان و نه ظروف زرین و سیمین و نه زردوزی آویخته به دیوارها. لذا تا زمان آغاز غیبت کبری امام زمان (عج) هنوز برخورد فقها با مجسمه‌سازی و نقاشی بخاطر نزدیکی به دوران جاهلیت و رواج آشکار و پنهان بت پرستی در گوشه و کنار مرزهای اسلامی و سرزمین‌هایی که هنوز پای اسلام به آنها باز نشده همان برخورد صدر اسلام است. حال با توجه به کلیات مربوط به مبحث تصویرگری و مجسمه‌سازی لازم است در بخش دوم به نظرات شیخ انصاری پیرامون این موضوع پرداخته شود.



بخش پنجم: نظرات شیخ انصاری در بحث تصویرگری و مجسمه سازی و نقد آن

در این بخش ابتدا نظرات کلی شیخ انصاری و سپس موارد و تقسیمات مجسمه سازی و تصویرگری را از دیدگاه ایشان بررسی نموده و سپس دیدگاه امام خمینی (ره) را در ارتباط با نظر ایشان بیان می نماییم.

بند اول: دلایل شیخ انصاری در حرام دانستن تصویرگری حیوانی و مجسمه سازی در مکاسب

شیخ انصاری در اینکه اساس شریعت اسلام با هر عاملی که باعث شرک مخفی و آشکار در دل مسلمانان شود به مبارزه و مقابله می پردازد و حرمت تصویرگری و مجسمه سازی نیز ریشه در همین امر دارد ایشان تاکید داشتند که در بسیاری از موارد تصویرگری انسانی و مجسمه از انسانها، موجب فخر آنها و نیز گرایش به اسم و رسم های شرک آلود و نیز القاء شعاعر ادیان غیر از اسلام ر جامعه اسلامی و ابزار مورد استفاده آن ها در گسترش نیات شیطانی می باشد دلیل حرام ندانستن مجسمه و نقاشی های غیر جاندار در مکاسب شیخ انصاری نیز ریشه در همین امر دارد. یکی از دلایل روایی حرمت نقاشی و تصویرگری از موجود زنده از دیدگاه شیخ انصاری روایت حماد بن عیسی عبدالله محمد بن مسلم در ارتباط با سوال از تمثال درخت یا دیگر غیر جانداران از امام صادق و جواب ایشان مبنی بر عدم حرمت تا زمانی که تصویری از زنده و موجود زنده نباشد شیخ انصاری از بابت روایی بسیار بر این امر تاکید کرده است در ارتباط با تصویرگری و صورتگری از دیدگاه امام صادق (ع) تا زمانی که تصویر صورت روحانی نباشد حلال می باشد و شیخ انصاری نیز بر همین مورد صحه گذاشته و بر اینکه عدم وجود شکل و تمثال روحانی موجب عدم حرمت این نوع تصویرگری می گردد. شیخ انصاری بحث مجسمه سازی کاملاً بدون فتوای مخالف در زمان خود در اجماع عالمان دین حرام دانسته و کاملاً بر حرام بودن آن در فقه اسلامی تاکید دارد. ادعای اجماع و عدم خلاف بر حرمت مجسمه سازی در موجودات ذی روح؛ مثل انسان، حیوان، فرشته، جن، حتی موجودات خیالی ذی روح، شده است مرحوم شیخ انصاری که این بحث را مطرح می کند می گوید: «تصویر صور ذوات الارواح حرام اذا كانت الصورة مجسمهً بلاخلاف فتوی و نضا و کذا مع عدم التجسم». حتی نقاشی صورت موجودات زنده، روی قالی، روی کاغذ حرام هست. ولی اینجا دیگر ادعای اجماع نمی کند» (شهیدی، ۱۳۹۵). همچنین با نظر به نگهداری



تمثال‌های موجودات زنده شیخ انصاری بر این تاکید دارند که آنچه که برای آن در دین اسلام حرمت قائل شده، آن حرام بوده و تولید آن نیز حرام دانسته شده است و نگهداری از آن نیز حرام می‌باشد در این ارتباط نگهداری از تمثال‌های موجودات زنده از قبیل انسان یا مجسمه‌های حیوانات از دیدگاه شیخ انصاری دارای حرمت و حرام می‌باشد ولی به نظر می‌رسد شیخ در ارتباط با نابود کردن آنها بر این نظر تاکید دارد تا زمانی که نسبت به آنها مبغوضیت ایجاد نشود واجب بودن نابودی آنها ایجاد نمی‌شود.

بند دوم: تقسیمات مختلف نسبت به حرام یا مباح بودن تصویرگری و مجسمه سازی

در ارتباط با عقاید و روایات مستند از شیخ انصاری می‌توان تقسیمات مختلف نسبت به حرام یا مباح بودن تصویرگری و مجسمه سازی را چنین بیان نمود که در روایات بخش اول مجسمه سازی کاری به مضمون دشمنی با خداوند آمده و از بابت عذاب از این افراد درخواست القاء روح به این مجسمه‌ها در آخرت خواهند نمود همچنین بخش دوم شامل روایاتی است که فقط بر حرمت درست کردن مجسمه تاکید دارند در بخش سوم عدم رضایت از استفاده از مجسمه و تصاویر در خانه افراد را شامل می‌شود در بخش چهارم روایاتی از حضرت علی که بر نابودی مجسمه‌ها و قبرهای ساخته شده با ارتفاع زیاد و موارد این چنینی را شامل می‌شود در بخش پنجم انواع روایات از عذاب شدید بر تصویرگران را شامل می‌شود (ترابی، ۱۳۷۳).

بند سوم: نظر امام خمینی در ارتباط با نظریات شیخ انصاری

امام خمینی در ارتباط با حرمت مجسمه‌ها و تصاویر مورد استناد شیخ انصاری بیان می‌دارند که این روایات و عذاب مرتبط با آن در ارتباط با مجسمه‌ها و تصاویری می‌باشد که کفار در برابر آنها سجده و تعظیم می‌نمودند و افرادی که این علایم در آنها در زمان پیامبر و دوره‌های بعد از ایشان در ذهن و خاطره تعدادی از مسلمانان مانده و احتمال برگشت این افراد به آیین و رسوم گذشته آنها احتمال می‌رفت که به همین خاطر حرمت ساخت مجسمه و نیز تمثال‌ها و تصاویری از این دست از نظر اسلام حرام اعلام گردیده شدند که در زمان کنونی با رفع این ریشه‌ها و اعتقادات می‌توان برای تندیس‌ها یا مجسمه‌ها آراء و احکام مناسب تری را مطرح نمود تا با مواردی مانند آثار باستانی، یا آثار هنری و ... مخالفت نشود. «امام خمینی (ره) در تحریر الوسيلة کشیدن صورت صاحبان روح از انسان و حیوان در صورتی که به صورت مجسمه باشد حرام می‌



داند» (امام خمینی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۳۴۹). آرای فقها در ارتباط با مسئله مجسمه سازی و تصاویر دارای پنج نوع می باشد مورد اولی مطلق بودن حرمت تصاویر، دومی نبودن حرمت مطلق تصاویر، سومین مورد داشتن حرمت مجسمه چه نوع حیوانی آن و چه انواع غیره آن، چهارمین مورد داشتن حرمت تصاویر و مجسمه حیوان و پنجمین مورد بررسی حرمت جسمی حیوان. شیخ انصاری در موارد بسیاری از جمله کتاب مکاسب بر حرام بودن تصویرگری و مجسمه سازی تاکید دارد. ایشان بر روایت های متعددی در ریشه پیدایش مجسمه ها و پیکره ها در جهت انگیزه پرستش در نقاط مختلف جهان و در ادوار مختلف و در اقوام مختلف تاکید دارد مجسمه سازی از نوع حیوان و انسان نیز هم اکنون در کشورهایمانند هندوستان جهت پرستش به تعداد زیادی ساخته و استفاده می گردد که این امر بحث مربوط به استفاده از مجسمه جهت پرستش در دوران گذشته و ذهنیت مبتنی بر آن در قوانین اسلامی که باعث حرام کردن مجسمه سازی و در مواردی تصویرگری سعی در پاک کردن این ذهنیت از جامعه اسلامی می باشد و بخشی از افراد در دوران کنونی بر این تاکید دارند که گذشت زمان باعث نسخ این احکام گردیده، خط بطلان می کشد اینکه بر اساس اندیشه های مختلفی از جمله مالی، هنری، اقتصادی و فخر و مورد تقدیر و تشکر قرار گرفتن افراد، تندیس های مختلفی ساخته می شوند که با استناد به نوشته های شیخ انصاری باید همه آنها را در زمره موارد حرام، نامشروع مورد نقد قرارداد (الهامی، ۱۳۸۱).

نتیجه گیری

نتیجه اینکه در ارتباط با تصاویر طراحی از موجودات غیر زنده مانند رودخانه ها و گیاهان و کوه ها و غیره از دیدگاه شیخ انصاری مشکلی ندارد و مباح است و نیز بخشی از اندام حیوانات یا موجودات زنده نیز مشکلی ندارد ولی تصویر کامل از انسان یا حیوان دارای اشکال شرعی می باشد در ارتباط با نگه داشتن این تصاویر نیز وجوب از بین بردن آنها نیز واجب نیست و نگه داشتن آنها نیز حرام می باشد همچنین در ارتباط با مجسمه سازی و پیکر تراشی شیخ انصاری به دلیل تجسم روح در این چهره ها و اندام آنها را حرام می داند و مجسمه سازی نیز براساس آن کاری حرام است و ساخت مجسمه انسان یا حیوان کاملاً حرام می باشد و ایشان تاکید دارد که این امر نه تنها توسط ایشان بلکه تمامی عالمان های آن زمان این احکام را تایید کرده اند همچنین در ارتباط با نگه داشتن مجسمه مانند نقاشی و تصویرگری این کار نیز دارای وجوب از بین بردن نمی باشد و



شیخ زیاد در این زمینه مباحث گسترده ندارد همچنین در ارتباط با درآمد ناشی از فروش مجسمه های ساخته کافران به کفار جهت مراسم عبادتی آنها نیز حرام می‌باشد و به عنوان ابزار اشاعه فرهنگ و اعتقادات کفار ترسیم می‌گردد البته در مباحث شیخ ابزار تاریخی و باستانی مورد بررسی چندانی قرار نگرفته است ولی مباحث موجود در مکاسب را می‌توان به این نتیجه که حفظ آثار باستانی و تاریخی به عنوان ابزار شیطانی و خودپرستی مطرح نمی‌باشند و می‌توان نسبت به آنها ارزش گذاری نمود همچنین از مباحثی که می‌توان در ارتباط با آرای شیخ و نظریه های ایشان بیان داشت بحث گذشت زمان و تغییرات به وجود آمده در ماهیت و مباحث و موضوعات مطرح می‌باشد چه بسا مجسمه سازی و تصویرگری ریشه در اعتقادات زمانی افراد و حرمت های قائل شده نسبت به آن می‌باشد و هر چیزی که در راستای ایجاد شعائر کفرآمیز یا نزدیکی به آن یا علامتی از آن و یا تاثیرات کفر گونه در اشخاص داشته باشد از دیدگاه شیخ حرام می‌باشد ولی در مواردی که این موارد کاملاً کسب نگردد می‌توان به مباح بودن آنها تاکید نمود شیخ انصاری در مباحث خود در مکاسب انواع آیات و روایات و آرای فکری و مباحث علمی و دینی را مورد بحث و بررسی قرار داده و زمینه های حرام بودن مجسمه سازی و تصویرگری را بیان نموده است. نظریه‌هایی که در سال‌های متمادی مورد استناد فقیهان و طلاب و دانشجویان قرار گرفته است.

تشر و قدردانی

این مقاله را محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزم بخاطر همه زحماتشان و همچنین به اساتید گرانقدرم در کمال افتخار و امتنان تقدیم می‌نمایم. بار الها به من کمک کن تا بتوانم ادای دین نموده و به خواسته های آنان جامه عمل بپوشانم.



منابع و مآخذ

• فارسی

- ۱- الهامی، رضا (۱۳۸۱). بررسی حکم فقهی مجسمه سازی، دوره ۳۵، شماره ۷۲، دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.
- ۲- بنی اسدزاده، مبارکه (۱۳۸۹). تصویرگری و مجسمه سازی در فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- ۳- ترابی، احمد (۱۳۷۳). هنرهای تصویری و تجسمی در نگاه شیخ انصاری، مجله فقه، شماره ۱.
- ۴- شهیدی، محمد تقی (۱۳۹۵) درس خارج فقه، www.shahidipoor.ir.
- ۵- شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۳)، مکاسب، ترجمه سید محمد کلانتر، جلد دوم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- ۶- حسینی، سیداحمد (۱۳۷۴). فقه و هنرهای تصویری و تجسمی، کاوشی نو در فقه اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، شماره چهارم و پنجم، سال اول.
- ۷- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۵) تحریر الوسیله، مترجم: اسلامی، علی، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
- ۸- فرحناک، علیرضا (۱۳۸۵). پیکرتراشی و نگارگری در فقه، موسسه بوستان کتاب، قم.
- ۹- مخملباف، محسن (۱۳۶۱). مقدمه ای بر هنر اسلامی، انتشارات حوزه و اندیشه هنر اسلامی، بی جا

• عربی

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت.
۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: مکتبه الداوری



۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). المكاسب المحرمه، جلد ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۴. طریحی، فخرالدین (۱۹۸۹). مجمع البحرین، هلال، بی‌جا.
۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۵). العین، دارالهجره، بی‌جا.
۶. مدکور، ابراهیم (۱۳۹۲). المعجم الوسیط، ناصر خسرو، تهران.
۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). انوار الفقاهه، ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول.